

هنر دیپلماسی در تقابل اصول و واقعیت‌ها

مذاکرات عمان در کدامین بستر گفتمانی رقم می‌خورد؟



مهدی دادویی‌نژاد

نویسنده و پژوهشگر سیاسی

بار دیگر دروازه‌های دیپلماسی گشوده شده است و در میانهٔ دوگانهٔ مذاکره و تشدید تنش‌ها، مسیر گفت‌وگو به‌عنوان راهکاری خردمندانه‌برگزیده شده است. در آستانهٔ برگزاری دور جدید مذاکرات ایران و آمریکا در عمان، واکنوی تاریخ دیپلماسی بین‌المللی و مواضع کنونی بازیگران این عرصه ضروری می‌نماید. دو تجربهٔ تاریخی درخشان گواه آن است که چگونه مذاکرات در سخت‌ترین شرایط به نتایجی غیرمنتظره انجامیده است: بحران موشکی کوباد در ۱۹۶۲، زمانی که جهان در آستانهٔ جنگ هسته‌ای قرار داشت، با درایت جان. اف. کندی و نیکیتا خروشچف از طریق مذاکرات پنهانی حل شد. هنری کیسینجر در تحلیل این رویداد می‌نویسد: «ترس از جنگ، خودمحركی نیرومند برای صلح است».

▼ ایران و بار سنگین تحریم‌ها:

▼ تاب‌آوری در مرز فروپاشی

در ایران، تحریم‌های یکجانبهٔ آمریکا ضرباتی سهمگین بر پیکره اقتصاد و جامعه وارد کرده است. این فشارها زندگی را برای اقشار متوسط و کم‌درآمد به مرز غیرقابل تحمل کشانده؛ قیمت مسکن و مواد غذایی به سطحی بی‌سابقه حتی در مقایسه با دوران جنگ رسیده، و دسترسی به داروهای حیاتی با چالش‌های جدی مواجه شده است. جامعهٔ ایران امروز به نقطه‌ای رسیده که تأمین نیازهای اولیه برای بسیاری به رزرویی دست‌نیافتنی بدل گشته است. هر چند مقاومت مردم و سیاست‌های جایگزینی واردات تا حدی از بار فشارها کاسته، اما تاب‌آوری نیز در نهایت درهم‌می‌شکند، اینجانه‌سیاه‌نمایی که واقعیتی عریان است؛ فروپاشی اجتماعی برای بسیاری نه یک احتمال، بلکه سرنوشتی محتوم به‌نظر می‌رسد. کیسینجر در تحلیل این وضعیت هشدار می‌دهد: «تحریم‌ها تنها زمانی مؤثرند که اهداف مشخص و امکان مذاکره وجود داشته باشد. درغیراین‌صورت، تنها رنجبی بی‌حاصل بر مردم تحمیل می‌کنند». او که معمار سیاست تنش‌زدایی با چین در دههٔ ۱۹۷۰ بود، تأکید می‌کند: «هیچ کشوری نمی‌تواند تا ابد زیر بار تحریم زندگی کند. بالاخره روزی مذاکره باید جایگزین شود». این دیدگاه، برگرفته از تجربهٔ مستقیم اود در مذاکرات ویتنام، امروز در قبال ایران و آمریکا نیز مصداق دارد.

▼ مذاکره: ابزاری ظرفیت در عرصهٔ روابط بین‌الملل

این نوشتار بر آن است تا اهمیت سیاسی و حقوقی مذاکرات پیش‌رو را تبیین کند و با نگاهی ژرف‌نگر به لایه‌های آشکار و پنهان آن بپردازد. مذاکره و جواسشی آن را بنیاد امری ساده و پیش‌پاافتاده انگاشت، بلکه باید آن را ظرفیت‌ترین ابزار روابط بین‌المللی دانست؛ ابزاری که در میان هرج‌ومرج جهانی و کشمکش‌های قدرت، منافع ملتی را تأمین می‌کند، سایهٔ جنگ و تحریم را از سر کشوری دور می‌سازد، و طلوع امید و صلح را نوید می‌دهد.

▼ مذاکره از منظر سیاسی: تقابل واقعیت و اصول

در ایران، مواضع دربارهٔ مذاکرات پیش‌رو، همچون همیشه، فضایی دوقطبی ایجاد کرده است. این شکاف سبب شده تا نتوان به شکلی شایسته دربارهٔ گفت‌وگو سخن گفت. این روزها، طعنه‌ها و کنایه‌ها به «مذاکرهٔ غیرمستقیم» نه‌تنها در میان مردم، که در بین فعالان سیاسی نیز اوج گرفته است. این نقدها که «چگونه پس از رد قاطعانهٔ مذاکره، ایران بار دیگر به پای میز بازگشته؟» نشان می‌دهد که هزینهٔ تغییر مواضع در سیاست‌گذاری از منظر حیثیتی برای حاکمیت بسیار سنگین است، و همین ترس از انتقادات گاه به کنش‌هایی غیرعقلانی می‌انجامد. البته نقش حاکمیت در شکل‌گیری شرایط کنونی انکارناپذیر است، و نیازی به بازگویی دلایل آن نیست. تنها به این نکته بسنده می‌کنیم که بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران می‌بایست تا سال ۱۴۰۴ به قدرت نخست اقتصادی، علمی، سیاسی و نظامی خاورمیانه بدل می‌شد. اما امروز وضعیت از چه قرار است؟ جناح موافق مذاکره با استناد به تجربیات تاریخی، گفت‌وگو را تنها راه منطقه‌ای می‌داند. محمدجواد ظریف اخیراً تأکید کرده است: «تحریم‌ها زندگی مردم را نابود می‌کند، اما عزت ملی را نه.» در مقابل، جناح مخالف با احتیاط بیشتری به مذاکرات می‌نگرد. یکی از نمایندگان مجلس هشدار داده است: «نباید تحت فشار اقتصادی تسلیم شویم.» اما از این نماینده و هم‌اندیشانش باید پرسید: «منظور از «ما» دقیقاً چه کسانی هستند؟ چگونه می‌توان بدون پشتوانهٔ اکثریت جامعه حکومت کرد؟» نمونهٔ عراق درس عبرتی است که نشان می‌دهد حاکمیت‌های بی‌پشتوانه تا چه اندازه آسیب‌پذیرند. در این میان، از افراطیون و جنگ‌طلبان داخلی که به نبردهای آر‌ما گدونی باور دارند، سخنی به‌میان نمی‌آید؛ چراکه برای آنان، اوهام همواره بر اصول و واقعیت‌ها چیره بوده است، و اوهام را نمی‌توان تحلیل کرد.

▼ مذاکره برای کره‌شایی، نه وقت‌کشی

تأکید بر مذاکره به معنای رفت‌وآمدهای بی‌حاصل و سخنرانی‌هایی مانند آنچه در دوران سعید جلیلی شاهد بودیم، نیست؛ زمانی که آش بی‌چاگی مردم ایران چنان شور بود که یک دانشجوی بامدرک لیسانس با عاونای نامشخص در تیم مذاکره حضور داشت، و سرپرست تیم بیانیه‌ای مانیفست‌وار از اوهام خودارائه‌داد که هیچ‌نستیتی با مسائل ایران نداشت. هزینه‌های گزاف این اتلاف وقت و «تئوری مذاکره برای مذاکره» امروز بر همگان آشکار شده است.

مذاکره باید گره‌گشا باشد، و از این منظر در برابر آلترناتیوهای پیش‌رو خوداهمیتی دوچندان می‌یابد. کیسینجر مذاکره را نه‌نشانهٔ ضعف، که اوج بلوغ سیاسی می‌داند: «مذاکرهٔ موفق نیازمند ترکیبی ویژه از قدرت نظامی و انعطاف دیپلماتیک است. باید هم‌زمان قوی بود و هم آمادهٔ گفت‌وگو.» این همان استراتژی است که ایران در پیش گرفته؛ از یک سو تقویت توان دفاعی و از سوی دیگر پیگیری مسیر دیپلماسی. کیسینجر در خاطرات خود می‌نویسد: «در بحرانی‌ترین شرایط نیز همیشه روزنه‌ای برای مذاکره وجود دارد. هنر دیپلمات‌های بزرگ یافتن این روزنه است.»

▼ چرا امروز شرایط تغییر کرده است؟

پرسش کلیدی این است: چرا با وجود مخالفت‌های پیشین با مذاکره در دوران ترامپ، امروز اوضاع دگرگون شده است؟ تحلیل‌گران چنددلیل عمده برمی‌شمارند:

- تغییر فضای بین‌المللی پس از جنگ اوکراین که تمایل قدرت‌های جهانی به حل دیپلماتیک بحران‌ها را افزایش داده است.
- شکست سیاست «فشار حداکثری» ترامپ که نه‌تنها به نتیجه نرسید، بلکه جریان‌های تندرو را در منطقه تقویت کرد.
- تغییر معادلات منطقه‌ای پس از بحران غزه که گفت‌وگوهای راهبردی را ضروری تر ساخته است.

۴. تحولات داخلی ایران پس از ریاست‌جمهوری جدید و روی آوردن به مذاکره، که فضایی تازه برای گفت‌وگو فراهم آورده است. مخالفت‌های مکرر رهبری با مذاکره را می‌توان بخشی از یک استراتژی حساب‌شده دانست تا به طرف مقابل این پیام‌رسانده شود که در ایران، اگر چه گروهی به مذاکره تمایل دارند، اما رهبری و بخشی دیگر به دلیل تجربیات گذشته چندان خوشبین نیستند. با این حال، درک واقعیت‌های موجود سبب شده تا مجوز مذاکره صادر شود. طرف مقابل پیوسته ایران را به تهدید جنگ و تحریم‌های حداکثری تحت فشار قرار داده و مذاکره را دشوارتر ساخته است. از این منظر، تمسک به اصول به‌رغم اتخاذ تاکتیک‌های متفاوت، امری عجیب نیست. هنری کیسینجر در کتاب «دیپلماسی» خود توضیح می‌دهد: «سیاستمداران بزرگ می‌دانند چه زمانی سخت‌گیر و چه زمانی نرمش نشان دهند.» این نوسان نه‌نشانهٔ دوگانگی، که نماد پیچیدگی هنر حکمرانی است. «ایهام در مذاکره گاهی ضروری است؛ چراکه به طرفین اجازه می‌دهد بدون از دست دادن وجهه، از مواضع خود عقب‌نشینی کنند.» جان مرشایمر نیز معتقد است: «هیچ کشوری نمی‌تواند برای همیشه در تقابل بماند. تاریخ نشان داده که در نهایت، دیپلماسی پیروز می‌شود.»

▼ درس‌هایی از تاریخ: دیپلماسی در گذر زمان

اوتو فون بیسمارک، صدراعظم آلمین آلمان در قرن نوزدهم نشان داد که چگونه می‌توان از طریق شبکه‌ای پیچیده از اتحاده‌ها و توافقات صلح را حفظ کرد، بی‌آنکه به اصول اساسی خدشه‌ای وارد شود. استراتژی او مبتنی بر «انعطاف در روش‌ها و ثبات در اهداف» بود؛ الگویی که امروز در مذاکرات عمان نیز مشهود است. میخائیل گورباچف در خاطرات خود اعتراف می‌کند: «پایان دادن به جنگ سرد مستلزم شجاعت تغییر تاکتیک‌ها، بی‌آنکه اصول زیرپا گذاشته شود.» این همان درسی است که امروز در خاورمیانه کاربرد دارد.

▼ مذاکره از منظر حقوقی:

▼ کاهش تخصص و هزینه‌ها

در حقوق بین‌الملل، بر ضرورت مذاکره تأکید شده است. منشور ملل متحد حل مسالمت‌آمیز اختلافات را الزامی می‌داند. کوفی عنان باور داشت: «حقوق بین‌الملل زبانی مشترک برای گشودن بن‌بست‌هاست.» بازخوانی آرای هوگو گروسیوس، پدر حقوق بین‌الملل مدرن، در کتاب «حقوق جنگ و صلح» (۱۶۲۵)، چارچوبی نظری برای درک ضرورت این مذاکرات ارائه می‌دهد: ۱. مذاکره به مثابه الزام عقلانی: حتی در جنگ، قواعدی وجود دارد که طرفین را به جستجوی راه‌های مسالمت‌آمیز ملزم می‌کند. ۲. تمایز میان عدالت و مصلحت: مذاکرات موفق باید هم‌به‌حقوق نقض شده و هم منافع مشترک بپردازند. ۳. تقویت واسطه‌گری: کشورهایی بی‌طرف می‌توانند با کاهش غرور ملی، فضایی عقلانی برای گفت‌وگو فراهم کنند. ۴. حقوق بشر دوستانه و تحریم‌ها: هر اقدام تنبیهی که رنج غیرنظامیان را در پی داشته باشد، ناقض حقوق طبیعی است.

▼ سناریوهای پیش‌رو

تحلیلگران سه سناریو را برای نتیجه این مذاکرات متصورند: ۱. توافق محدود: کاهش برخی تحریم‌ها در برابر محدودیت‌های موقت هسته‌ای ۲. تداوم مذاکرات: ادامه گفت‌وگوها با حفظ وضع موجود ۳. بن‌بست: شکست مذاکرات و تشدید تنش‌ها

▼ سخن پایانی: آزمون خرد جمعی در عرصهٔ بین‌الملل

مذاکرات عمان صرفاً یک رویداد دیپلماتیک نیست، بلکه محکی برای خرد جمعی جامعهٔ جهانی است. راجر فیشر تأکید می‌کند که «تمرکز بر منافع، نه مواضع، کلید مذاکرات موفق است» شاید زمان آن فرا رسیده که به جای تمرکز بر تعارض‌های ظاهری، بر اشتراکات نهفته متمركز شویم. این همان رویکردی است که ایران در پیش گرفته: تقویت توان دفاعی همراه با پیگیری دیپلماتیک. آینده نشان خواهد داد که آیا طرفین از درس‌های تاریخ بهره‌بردارند یا خیر، اما آنچه مسلم است، ضرورت تداوم گفت‌وگو و دیپلماسی برای جلوگیری از قاجعه‌ای است که در شکست مذاکرات نهفته است.

چرخش راهبردی در دولت؟

سپردن پست سابق محمدجواد ظریف به محسن اسماعیلی
سوالات زیادی را برانگیخته است

محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

حاضر مشخص نیست که معاونت راهبردی و مرکز بررسی‌های استراتژیک دچار چه تحولاتی خواهند شد.

▼ تأیید و تکذیب یک خبر

ابتدای این هفته، خبر انتصاب اسماعیلی به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور به رسانه‌ها درز پیدا کرد و منتشر شد. پیش از آن، این خبر از سوی بعضی فعالان رسانه‌ای و خبرنگاران حوزه دولت عنوان شده بود اما مطرح نمی‌شد که اسماعیلی برای کدام جایگاه خالی در دولت مدنظر قرار گرفته شده است. برای مثال خبرآنلاین، روز ۲۴ فروردین نوشت: «محسن اسماعیلی به معاونت راهبردی و امور مجلس انتخاب شده و در حکم‌وی، هماهنگی با سایر قوا، مجمع تشخیص مصلحت و... نیز مورد اشاره قرار گرفته است.» در نهایت دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت، در گفت‌وگویی که با ایرنا داشت این موضوع را تأیید نکرد و آن را نادقیق خواند و اعلام کرد که گزینه‌ها در حال بررسی هستند. این نحوه خبررسانی از سوی تیم اطلاع‌رسانی، بار دیگر انتقاده‌ها نسبت به این بخش از دولت‌پزشکیان را برانگیخت.

▼ پایان ماجرای ظریف

در نهایت پرونده حضور محمدجواد ظریف در دولت چهاردهم نیز بسته شد. او اواسط اسفندماه از ملاقاتش با غلامحسین محسنی‌اژه‌ای رئیس قوه قضائیه خبر داد و پس از آن نیز نقلی‌اش این بود که برکنار شده و به دانشگاه تهران بازگشت. ظریف در زمان اعلام این خبر، با انتشار پستی در شبکه‌های اجتماعی به این موضوع اشاره کرد که علاوه بر فشارهای بیرونی برای کنار گذاشتن از دولت، با تلخی‌هایی درون دولت‌پزشکیان نیز روبه‌رو بوده است. تلخی‌هایی که به‌طور قطعی نمی‌توان گفت از سوی چه کسانی و در چه جایگاهی ایجاد شده بود. اما در نهایت، پس از کنار رفتن ظریف صدای حمایت خاصی در دولت شنیده نشد. با صدور حکم محسن اسماعیلی، کنار رفتن ظریف از جایگاه معاونت راهبردی قطعی شد. مسعود پزشکیان در پیام تقدیر از ظریف خطاب به او نوشت: «اکنون که مجموعه محدودیت‌ها، امکان بهره‌مندی از دانش و تجربیات جنابعالی که متصف به صفات تدین، وجدان، احساس مسئولیت، غیور و شجاع از سوی مقام معظم رهبری هستید، مسئولیت معاون راهبردی رئیس‌جمهور را از ما سلب کرده است، مراتب قدردانسی و سپاس خود را از تلاش‌های صادقانه و مسئولانه جنابعالی ابراز می‌دارم و علاقمندم که همچنان از شایستگی‌های علمی و تجربی شما برادر عزیز بهره‌مند باشم.»

محمدجواد ظریف در دوران مبارزات انتخاباتی زودهنگام چهاردهم یکی از همراهان موثر او بود. پس از پیروزی پزشکیان مسئولیت شورای

همزمان با آغاز بررسی در مجمع تشخیص تشدید شد

فضاسازی تندروها علیه تصویب FATF

باشد. رئیس‌جمهور آمریکا که با صراحت دشمنی خودش را با ملت ایران اعلام کرده است، به صراحت در آن بیانیه اجرایی ابتدایی ریاست‌جمهوری خود اعلام کرد که تلاش‌کنید از امکان دستورالعمل‌های FATF علیه منافع اقتصادی ملت ایران استفاده شود. این معلوم است که ما اگر به این لوابح بیپوندیم، ما را از لیست سیاه خارج نمی‌کنند. این موارد را برای ثبت در تاریخ عرض می‌کنم. چون ظاهراً دوستان تصمیم خود را گرفته‌اند.» او از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام خواش کرد: «لااقل دو شرط را برای تقدیم اسناد این دو معاهده در نظر بگیرند. مورد اول این است که این تقدیم اسناد انجام نشود، مگر آنکه ما از لیست سیاه FATF خارج شویم و دوم اینکه تحریم‌های ظالمانه علیه منافع اقتصادی ملت ایران طبق قانون بسیار مهم و کلیدی «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» لغو شود.» شریعی با اشاره به اینکه در ماده ۷ قانون اقدام راهبردی این تحریم‌ها برشمرده شده است، گفت: «تحریم‌های هسته‌ای، حقوق بشری، دارویی و... در این قانون آمده است.»

▼ نامه ۱۵۰ نماینده به لاریجانی

دیگر نمایندگان هم از موضوع پیوستن به کنوانسیون‌های FATF غافل نماندند و آنطور که تسنیم خبر داده است ۱۵۰ نماینده مجلس با ارسال نامه‌ای به آملی لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، نسبت به پیامدهای احتمالی تصویب این لوابح هشدار داده و تأکید کردند که تا زمان رفع کامل تهدید فعال‌سازی مکانیسم ماشه، الحاق ایران به این کنوانسیون‌ها را به صلاح نمی‌دانند.

نمایندگان در نامه خود نوشتند: «بررسی موضوع الحاق ایران به کنوانسیون‌های سسی افتی و پار‌مو در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار دارد و بنا بر اخبار واصله، کمیسیون مشترک مجمع در اقدامی تأمل‌برانگیز، با این الحاق موافقت نموده است. با توجه به وظیفه ذاتی مجلس شورای اسلامی در مینابت از حقوق ملت، نکاتی را خطاب به حضرت‌تعالی و اعضای محترم مجمع تقدیم می‌داریم: اول؛ در تحلیل دولت یازدهم، خروج ایران از لیست سیاه FATF، پیش‌نیازی برای بهره‌مندی از منافع اقتصادی منصور در برجام تلقی می‌شد و بر همین اساس، لوابح الحاق به کنوانسیون‌های مرتبط به مجلس ارائه گردید. لیکن پس

دولت‌پزشکیان این روزها از هر لحاظ، ایام شلوغی را می‌گذرانند. بازار شایعات حول آن داغ است. معاون‌ها می‌روند و می‌آیند و معاونت‌هایشان در هم ادغام می‌شوند. اخبار از سوی تیم اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری تکذیب و سپس توسط آنان به صورت رسمی اعلام می‌شود. یکی در قطب جنوب بود، دیگری رانده شده و در دانشگاه نشسته اما نامش به عنوان گزینه وزارت اقتصاد مطرح می‌شود. مشاهده این روزهای دولت، آملی را یاد جلدهای شلوغ مجله گل آقا در دهه هفتاد و ابتدای هشتاد می‌اندازد.

▼ ادغام دو معاونت

پزشکیان در آخرین حکم انتصاب خود، محسن اسماعیلی دانشیار دانشگاه تهران، عضو پیشین مجلس خبرگان رهبری و حقوقدان شورای نگهبان (چهار دوره) را به عنوان معاون راهبردی و امور مجلس رئیس‌جمهور منصوب کرد. اسماعیلی قرار است به صورت هم‌زمان، مسئولیت‌های پیشین محمدجواد ظریف و شهرام دبیری را بر عهده بگیرد. این ادغام سوال‌برانگیز بود. چراکه معاونت راهبردی آن طور که تعریف شده و قرار بود نقش ارائه‌ر به رئیس‌جمهور و دولت را داشته باشد، تفاوت‌های ماهوی با معاونت امور مجلس دارد. در حکم اسماعیلی همانطور که در حکم پزشکیان به ظریف آمده بود، قرار است ساختار مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری متناسب با وظایف معاونت راهبردی تغییر کند.

انتصاب اسماعیلی به عنوان معاون پزشکیان واکنش‌های تندبی به دنبال نداشت. چراکه اسماعیلی بیش از آنکه شخصیت سیاسی باشد، یک شخصیت حقوقی بدون حاشیه است. هر چند در بیان نظراتش در معدود گفت‌وگوهایی که با رسانه‌ها داشته، معذوریتی برای خود قائل نیست و شاید تنها حواشی حول او را بتوان آن دسته از واکنش‌هایی دانست که به صحبت‌هایش نشان داده شده است. واکنش‌ها بیشتر ناظر بر آن است که آیا این انتصاب مناسب بوده یا نه. بخش دیگر نیز مربوط به این است که چه الزامی وجود داشت این دو معاونت به یک نفر سپرده شود. هر دوی این سوال‌ها با گذر زمان پاسخ خود را خواهند یافت. اسماعیلی به دلیل چهار دوره حضور در شورای نگهبان به عنوان حقوقدان و همچنین عضویت در هیئت تطبیق قوانین، آشنایی عمیقی با حوزه پارلمانی دارد. اما در حال

گروه خبر: ظهر روز گذشته محسن دهنوی، سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام از بررسی FATF و پیوستن ایران به دو کنوانسیون پار‌مو و CFT خبر داده و گفت: «بررسی بندهای این دو لایحه در کمیسیون مشترک پایان یافت. جلسه عصر (دیروز) سخن‌جمعه با حضور سران قوا و با دستور کار پیوستن ایران به این دو کنوانسیون برگزار خواهد شد. بعد از استماع نظرات مجلس، دولت و کارشناسان، مجمع وارد رای‌گیری خواهد شد.»

او با تأکید بر اینکه طبق آیین‌نامه اداره جلسات مجمع این لوابح بند به بند در صحن مجمع بررسی خواهد شد، افزود: «بر این اساس بعد از ارائه گزارش کمیسیون مشترک، ابتدا مجلس و بعد شورای نگهبان و دولت نظرات خود را ارائه خواهند داد. در ادامه در مورد هر بند دو موافق و دو مخالف نظرات خود را بیان می‌کنند و در پایان رای‌گیری می‌شود.»

دهنوی در پاسخ به این سوال که چه زمانی این دو لایحه در مجمع تعیین تکلیف می‌شود؟ تأکید کرد: «مجمع تشخیص بنا دارد به دقت نظرات موافقان و مخالفان این لوابح و نظرات کارشناسی دولت و مجلس را استماع کند و در پایان بر اساس صلاح مردم و منافع ملی، تصمیم‌گیری کند.»

اما این جلسه‌آنطور که دهنوی نوشته است برگزار نشد. او در صفحه شخصی ایکس خود نوشت: «امروز بررسی لایحه پیوستن به پار‌مو به ریاست رئیس مجمع و با حضور سران قوا در مجمع تشخیص مصلحت نظام آغاز شد. در ابتدای گزارش کمیسیون مشترک مجمع ارائه شد و در ادامه دولت و مجلس و همچنین اعضای مجمع نظرات خود را بیان کردند. ادامه بررسی لایحه به جلسه بعدی مجمع موکول شد.»

▼ دو شرط برای بررسی FATF

مالک شریعی، نماینده تهران در تذکر جلسه دیروز مجلس از مجمع خواست که دو شرط را در بررسی‌های خود لحاظ کنند و تأکید کرد: «اقدامات لازم برای لوابح پار‌مو و CFT قبلاً در مجلس انجام شد و به مجمع رفت و امضای آن در دولت انجام شده است. دوستان در مرحله تقدیم اسناد، شرطی بگذارند که ما بتوانیم برای منافع اقتصادی و مردم، یک الزام و تضمین لازم را دریافت کنیم. نمی‌شود ما به این معاهدات بیپوندیم، اما نتیجه اقتصادی برای ما نداشته باشد و نتیجه سیاسی آن برای دشمنان ما